

به خشنودی اهورامزدا



مُغان

پاسداران صبور اندیشه در تاریخ ایران

بقلم فرید شولیزاده

متأسفانه در مطالعه سیر تاریخی فرهنگ در ایران دیده میشود که برخی از ایران شناسان در پژوهشهای خود آماج ویژه ای را دنبال می کنند. متد آنها بی ارزش جلوه دادن فرهنگ

این سرزمین اهورایی و بانیان آن در درازی تاریخ است . متأسفانه بیشتر این مغرضان سعی در این دارند که نشان دهند ، همه چیز در جهان برخاسته از ادیان و اندیشه های سامی است و همه فرهنگهای جهان در برابر اندیشه ها و تفکرات و دیانت های سامی هیچ و پوچ است و این ایدولوژی های توراتی می باشند که پیشاهنگ و تئورسین فرهنگ بشری هستند.

این گروه افراد با دگرگون ساختن و گاه مصادره تاریخ و مفاهیم و کتابهای دینی و کهن ملل اصالت مند هدف خویش را پیش میبرند این هنجار پیرامون هویت ما ایرانیان بواقع زرتشتیان(مزدیسنا) پیروان معلم بزرگ اخلاقیات بشری و مروج اندیشه پاک راستی، اشو زرتشت اسپنتمان با شدت بیشتری پی گیری شده.

در زمینه گاتها شناسی و فلسفه اوستا و منش فکری مشاهیر ایران این دگرگون ساختن به نهایت خود می رسد مایه تاسف است که بسیاری از همین دست نوشتارها مبنای داوری مراکز پژوهشی و حتی مراجع دانشگاهی خود ایران قرار می گیرد!!
به کرات دیده شده که این مروجان فرنگ، در ننگ نامه هایشان به دو راه رفته اند، ابتدا آنکه با ذکر سخنان ناروا نسبت به وخشور ایران و تحریف در ترجمه گاتها بنیاد اندیشه های انسان ساز مزدیسنی را زیر سوال برده اند(راهی که بیشتر ایران پژوهان و اوستا شناسان یهودی در اروپا چون دارمستتر و... پیموده و می پیمایند) و یا آنکه رند صفتانه خود را هم داستان با اندیشه های اشو زرتشت معرفی کرده و سپس در راه مخشوش کردن مکتب مزدیسنی و خرد کردن جامعه زرتشتی از گذشته تا امروز قلم فرسائی کرده اند...

پیکان روحیه منفی گرا و مخرب این دسته از بظاهر ایران شناسان بیشتر متوجه جامعه مغان(موبدان) بوده است ، ای فرزندان ایران آگاه باشید که واژه موبد تغییر شکل یافته واژه های اوستایی «مگوپیتی» و «مگوبد» از ریشه مغ (مگ) است ، ایشان مردمانی دانشمند بودند که در درازای تاریخ چونان معماران یک امارت بزرگ بنام فرهنگ مزدیسنی و ایرانی، مو به مو طبق دستورات معمار و بانی بزرگ این کاخ یعنی وخشور ایران اجرهای خرد را بر هم چیده اند ولی این بارگاه بلند اندیشه بر خانه گمراهی اقوام بی هنر سایه انداخته و می اندازد و اسباب حسادت آنها را فراهم ساخته از این روست که تیشه نادانی برداشته بر پی این بنا می زنند.

دیده می شود که برخی از این بظاهر محققان همه کوزه ها و گرفتاریهای تاریخ ایران از سقوط شاهان نالایق گرفته تا ظهور آنارشیسیم های اجتماعی چون مزدک و تازش ویران گر اعراب وحشی و... را بر گردن مغان می اندازند، مایه مزاح است که می بینیم بر این اندیشه های سبک مغزانه خود پافشاری هم می کنند.

یاران هرگز نباید این سخن را فراموش کنیم که ایران بزرگ در درازای تاریخ سرزمینی بوده با اقتصاد کشاورزی ، به زبان ساده تر قسمت بزرگی از جامعه ایران را کشاورزان تشکیل می دادند و قسمت کمتری از این جامعه به امور نظامی و صنعتگری مشغول بودند و بلطبع افرادی به دنبال تحقیق و گسترش دانش میرفتند که در پژوهش و تعمق دینی دستی داشتند و زندگانی خویش را به کتابت علوم و گسترش کتابخانه ها بواقع دانش می گزراندند که سر آمد آنان موبدان بودند.

نام موبدان(مغان) با سیر تاریخی اندیشه در تاریخ این سرزمین کهن پیوندی نا گسستنی خورده، در سیر هزاران ساله تاریخ پرشکوه این سرزمین بزرگ همواره آتشکده ها و چاشته ها جایگاهی بوده برای تحقیق ژرف در علوم و تدوین فنون و گسترش دانش بواقع مرکزی که مرجع دانسته های روزگار خود بوده است از پزشکی گرفته تا نجوم و علوم فلسفی و الهی و اجتماعی و ... بواقع دانشکده ای کوچک. در گذشته موبدان در چند دسته کلی یزشنگران(موبدان اوستا خوان) ، دستوران(پاسخگویان دانش دین و مشاوران

پادشاهان)، هیریدان (آموزگاران دینی)، اندرزبدها (سخنرانان دینی و نویسندگان اندرزنامه ها) و . . . جای می‌گرفتند.
گاتها همواره با دیدی سراسر احترام بدانان می‌نگرد:

**ای مزدا و شما ای پرتوهای مزدا،
آنین (انجمن بزرگ مغان) را بپذیرید.
ای اهورا بسوی ما بیا
تا ما بتوانیم به شما خدمت کنیم.**

گاتها (هات 29 بند 11)

از گاتها بر می‌آید که اشو زرتشت انجمنی را که از یاران نزدیک خود بنیاد گذاشت (مگ) یا مغ خواند، چنان پیداست این یاران همان کسانی بودند که و خشور ایران آنان را *آزاده* می‌نامد، زیرا آنان بودند که پیام زرتشت را چنان که شاید و باید بود نیک دریافتند. *این همان انجمن مغان است که برای نیکنامی آن، شاه گشتاسب تلاش می‌کرده (هات 46 بند 14).*

خود اشو زرتشت در گاتها مغ را چنین تعریف می‌کند:

**چه کسی دوست زرتشت اسپنتمان است، ای مزدا
چه کسی با راستی در مشورت است؟
چه کسی با درست اندیشی افزاینده همراه است؟
کدام راست کار از راه منش نیک
خود را از آن انجمن مغان می‌داند؟**

گاتها (هات 51 بند 11)

و در جای دیگر آن و خشور می‌فرماید:

**از نیروی انجمن مغان و سرودهای منش نیک بود
که گشتاسب به دانش درونی رسید.**

گاتها (هات 51 بند 16)

و باز در جایی دیگر:

**پاداشی که زرتشت به مغان و دین باوران از پیش نوید داه است
گروثمان یا خانه سرود و ستایش پروردگار است
منزلگاهی که جایگاه هستی بخش بزرگ دانا بوده است.
این پاداش را که چون بخشش الهی است
و تنها در پرتو اندیشه ی پاک و راستی
به دست توان آورد به شما نوید می‌دهم.**

گاتها (هات 51 بند 15)

در هات 53 بند 7 نیز به این نکته پرداخته میشود، پیداست که اشو زرتشت با ایجاد انجمن مغان (انجمن موبدان) به دنبال ایجاد یک زندگی نمونه به همراه راستکاری و خوشبختی

برای پیروان خود بوده است. آن پاکمرد در نظر داشت با ایجاد این هسته، پیشرو آبادانی جهان گردد.

خود اشو زرتشت در نهایت آزادگی هیچگاه پیروی از اندیشه مزدیسنی را به کسی تحمیل نکرد و به فلسفه اختیار بشری با دیده احترام کامل نگریست چونان که در هات 30 بند 2 می فرماید: *بهترین سخنان را به گوش هوش بشنوید با اندیشه روشن در آن بنگرید سپس هر مرد و زن از شما به اختیار خویش از این دو راه راستی و دروغ یکی را برای خویش برگزینید...*

و یا در جایی دیگر آن وخشور روحیه فروتنی و آزادگی اندیشه مزدیسنی را مقابل دیدگانمان قرار میدهد: *ای خداوندگار خرد هنگامی که در روز نخست برای ما جسم و جان آفریدی و از منش خویش نیروی اندیشیدن و خرد بما بخشیدی خواستی که هر کس به اختیار خویش و با کمال آزادی راه خویش را برگزیند (هات 31 بند 11)*

اشو زرتشت هزاران سال پیش با صراحتی تمام فرمود انسان آزاد به جهان آمده و چون دارای نیروی اندیشیدن و خرد است باید در کمال آزادی خود راه زندگی خویش را برگزیند زیرا هر فرد تنها مسئول اعمال خویش در مقابل پروردگار است.

در کیش زرتشتی پذیرش گفتار و کلام مانتره باید از روی میل و دلخواه باشد نه از روی اجبار و اکراه، آزادی اندیشه اصلی است ورجاوند که مردم جهان برای برخورداری از آن تلاش و کوشش بسیار می کنند. اشو زرتشت هزاران سال پیش فرمود: *بنده و برده دیگران نباشید، مناعت طبع و بزرگ منشی داشته باشید و با تمام وجود به آزادی دیگران احترام بگذارید.*

اگر در طول تاریخ می بینیم که افرادی چون ارداویراف ره ایدولوژی های سامی را میروند و به اندیشه های مینوی مزدیسنی، صورتی مادی چونان دیانت های سامی میدند و بعد مینوی زندگی انسان را بصورت زندگی در گیتی تصویر می کنند و بهشت و دوزخ کیش زرتشتی را چونان فردوس و جهنم سامیان، چهره ای مادی می دهند نتیجه نمی شود که زرتشتیان و همه موبدان در تاریخ چون او می اندیشیدند، گو اینکه تاریخ گواه است که هیچ یک از موبدان گرانقدر در طول تاریخ دنباله رو داستان پردازی های ارداویراف نشدند. اشو زرتشت از همان ابتدای تشکیل دین خود در کتاب آسمانی گاتها از دو بخش حقیقت و طریقت بصورتی روشن و محکم سخن به میان آورده است و چارچوب باورهای لازم برای زندگی سراسر نیک و شایسته را تعریف کرد. پس از وی در درازای تاریخ، موبدان بزرگ هیچ گاه سخنان خود را به جامعه خود تحمیل نکردند چونان که آن وخشور که خود معلم سایر یارانش بود اما انجمن مغان را تاسیس کرد و خود در آن دایره انجن مغان بصورت جمعی به رای زنی و تصمیم گیری پیرامون امور دینی پرداخت و همواره شرافت انسانی و شرط اختیار انسانها را سر لوحه کار خود قرار داد و تصمیم جمعی را بر تصمیم فردی مقدم دانست (منشی که در میان ادیان سامی جایگاهی ندارد) چونان که خود تایع گمانه زنی های انجمن مغان بود انجمنی که در بر گیرنده خود آن وخشور و اندیشمندانی چون جاماسپ حکیم، فرشوشتر دانا و... بود.

این منش دموکراتیک بوسیله موبدان بزرگ همواره در طول تاریخ حفظ شد و چاشته های بزرگ اصل را بر همگرایی و هم اندیشی و بواقع هم‌آموزی قرار داده بودند (کتاب شایست ناشایست گواه این سخن است).

موبدان در طول تاریخ هرگز از خود سن و پاپ مقدس نساختند و دست و پا نداشتند و مرجع تقلید نشدند، موبدان در طول تاریخ با درک دستورات اهورائی گاتها سنن و آداب بسیار شایسته را بنیاد نهاده و پاسداری کرده اند تا بهدینان بتوانند، عملاً "پیام اشو زرتشت را بزبانی ساده و مردمی درک و وارد زندگی خود کنند، رسوم و آئین های زیبا و ارزشمند پنجه و جشنهای نوروز و گهنبار و خیرات، سنت وقف، تشویق مردم به بنیاد نهادن

مؤسسات عام المنفعه و... و انجام و پاسداری درست و اصولی از سنتها و جلوگیری از ورود فرهنگهای نادرست انیران نمونه بارز آن است.

موبدان با اختراع خط دین دبیره که هنوز هم کامل ترین خط جهان است(حتی آواز خواندن پرندگان را میتوان بدان نوشت) و نوشتن کتاب های مقدس دینی و فرهنگی با این خط گویا و پویا توانستند گاتها و اوستا را بهمان تلفظ دقیق باستانی و آهنگین خود نگهداری و پاسداری کنند.): موبدان تمام عمر خود را در کنار کار و کوشش برای کسب روزی ، به فراگیری دین و دانش مینوی میگزراوندند. بخش بزرگی از اوستا را حفظ میکردند و با خط زیبا مینوشتند و با صوتی خوش سروده و به مفاهیم آن عمل میکردند. بطوریه که به جرات میتوان گفت که اگر باورها و از جان گذشتگی های ایشان در طول تاریخ نمیبود امروز هیچ اثری از اوستا که مهمترین بخش زبان و فرهنگ ایران میباشد در دست نبود و هیچ کس حتی به یاد زبان و فرهنگ تاریخ اشو زرتشت و ایران نیز نمیتوانست باشد. موبدان کوشش میکردند که همواره آتشکده را ساده و پاک نگاه داشته محیطی روحانی ایجاد نمایند. بطوریکه هرگز در طول تاریخ دوره ای یافت نمیشود که آتشکده ها با زرق و برق آینه کاری و مجمر آتش زر اندود و دربهای طلا و زیور کاری ساخته شده باشد. لباس موبدان همیشه از پارچه ساده سفید که نماد وهومن(اندیشه نیک) است تهیه میشده تا کوچکترین پلیدی و ناپاکی را نشان دهد و سادگی و اشوئی را به نمایش بگذارد و گسترش دهند و...

آرزومند آن هستم که زین پس با دیدی خردمندانه تر به گذشته پر شکوه فرهنگ سرزمینمان بنگریم و هیچگاه این نکته را از یاد نبریم که هر علتی معلولی داشته و هر اندیشه ای آفریننده ای پس شایسته است که قدر دان بانیان این فرهنگ نیز باشیم ، اهورامزدا این سرزمین را از دروغ ، خشکسالی و دشمن دور بدارد ، ایدون باد

یاری نامه:

- 1: پیام زرتشت ، دکتر علی اکبر جعفری
- 2: جهان بینی اشو زرتشت ، موبد دکتر اردشیر خورشیدیان
- 3: گاتها ، ترجمه موبد فیروز آذرگشسب
- 4: شایست و ناشایست ، ترجمه و آوانویسی دکتر کتایون مزداپور

در پایان،بایسته است که از استاد گرانقدرم،دستور دکتر اردشیر خورشیدیان، که در نیل به شناخت واقعی کتاب جهان بینی اشو زرتشت،چونان معلمی صبور راهنمای من بودند کمال تشکر را داشته باشم.از خداوند یکتا و بی همتا آرزومند تندرستی و شاد زیوی ایشان هستم، ایدون باد.